

رژیم‌سازی ژاپن در شرق آسیا

بهاره سازمند^۱

دانشیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

احمد رمضانی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۵/۱۷)

چکیده

ژاپن به‌عنوان تأثیرگذارترین کشور آسیای شرقی، در سه دهه اخیر نقش فعالی در شکل‌دهی به ساختار منطقه داشته است. اگرچه در پیشبرد اهداف و دستیابی به منافع حداکثری خود، با موانعی مانند ظهور فزاینده چین رویه‌رو شد، به‌دلیل اهمیت و وزنه اقتصادی‌ای که دارد، پیوسته در تلاش بوده است تا نقش خود به‌عنوان رهبر منطقه‌ای را تثبیت کند. از اقدام‌های ژاپن می‌توان به تأسیس بانک توسعه آسیایی در سال ۱۹۶۶ اشاره کرد که ژاپن در چارچوب بانک، نقش رهبر منطقه آسیا را بازی می‌کرد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و در پی بحران مالی ۱۹۹۷ شرق آسیا، رژیم‌سازی در آسیای شرقی شدت گرفت. پرسش اصلی این است که چرا ژاپن رژیم‌هایی را در منطقه شرق آسیا و فراتر از آن ایجاد کرده است یا از ایجاد آنها حمایت می‌کند؟ رژیم‌سازی به‌عنوان متغیر مستقل، تثبیت و ارتقای جایگاه اقتصادی، و موازنه‌سازی به‌عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته می‌شوند. با عنایت به استفاده از روش تبیینی و با بهره‌گیری از نظریه‌های رژیم و موازنه‌سازی، در پاسخ به پرسش اصلی استدلال می‌شود ژاپن بعد از بحران ۱۹۹۷ برای تثبیت و ارتقای جایگاه اقتصادی و مهار قدرت فزاینده چین، راهبرد خود را در قالب پیشنهاد تأسیس صندوق پول آسیایی، پیشنهاد داد و حمایت شدید از آسه‌آن به‌علاوه شش یا سران آسیای شرقی، حمایت از طرح مشارکت اقتصادی جامع شرق آسیا، حمایت از موافقت‌نامه مشارکت فراپاسیفیک و همچنین تعهد به افزایش سرمایه را پیش برد. روش گردآوری منابع نیز اسنادی است.

واژگان کلیدی

آسه‌آن، آسیای شرقی، چین، رژیم، ژاپن، موازنه‌سازی.

۱. مقدمه

شرق آسیا، حکایتی موفق از توسعه اقتصادی است که ژاپن، اقتصاد پیشرو این بخش از جهان، نه تنها به ملتی صنعتی شده، بلکه به یکی از قدرت‌های جهانی در تجارت، سرمایه‌گذاری و تأمین نیازهای مالی مبدل شده است. تسلط ژاپن بر اقتصاد منطقه شرق آسیا، به صورت کامل تا پایان دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت. موقعیت مسلط ژاپن به دلیل کسب رشد اقتصادی چشمگیر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود که سبب شد ژاپن به تدریج نقش مهمی را در امور منطقه‌ای ایفا کند. ژاپن رشد اقتصادی کشورهای منطقه را با تأمین کمک‌های توسعه رسمی^۱ به منظور توسعه زیرساخت‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش تولیدی تضمین می‌کرد. ژاپن همچنین نقش برجسته‌ای در توسعه نهاد/ رژیم‌های منطقه‌ای پس از دهه ۱۹۸۰ داشت. حکومت ژاپن در راه‌اندازی همکاری اقتصادی آسیا-پاسیفیک (آپک)^۲، پیشقدم شد. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در بحران مالی آسیا (۹۸-۱۹۹۷)، بیشتر در پی برنامه‌های آزادسازی بودند تا نجات اقتصادهای بحران‌زده آسیا. ثروتمندترین کشور جهان، ایالات متحده نیز در مقابل ارائه کمک به طور کامل سکوت کرده بود. در مقابل، ژاپن مبالغ عظیمی را با عنوان ابتکار جدید میازاوا^۳ فراهم کرد و تکاپوی زیادی برای توسعه ساختار مالی منطقه‌ای، به منظور جلوگیری از وقوع مجدد بحران مالی انجام داد. جایگاه اقتصادی مسلط ژاپن در اواخر دهه ۱۹۹۰ به تدریج فرسایش یافت. درحالی‌که قابلیت‌های اقتصادی ژاپن به علت رکود طولانی مدت بعد از فرو پاشیدن حباب اقتصادی فروکش می‌کرد، سایر کشورهای آسیایی با ادغام اقتصادهای خود در بازار جهانی، توانایی‌های صنعتی خود را افزایش دادند. شکاف قدرت اقتصادی بین ژاپن و دیگر کشورهای آسیای شرقی کاهش یافته و به کاهش و انتقال قدرت از ژاپن به چین در هزاره جدید منجر شده است. چین، از اوایل دهه ۱۹۹۰ با کسب نرخ رشد اقتصادی تقریباً دورقمی، ژاپن را به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان و مرکز تجارت منطقه‌ای کنار زد.

ژاپن نقش فعالی در مدیریت بحران مالی آسیای شرقی داشت و از همان ابتدا با کمک‌های خود در پی ایفای نقش رهبر منطقه بود. ژاپن سعی داشت فرصت را غنیمت بشمرد و موجبات تثبیت قدرت خود در منطقه را ایجاد کند. به همین دلیل ابتکار را به دست گرفت و ایده صندوق پول آسیایی را مطرح کرد که هدف از آن تثبیت نرخ ارز در منطقه بود. بحران مالی ۱۹۹۷ موجب شده بود کشورهای منطقه به این نتیجه برسند که باید سازوکارهایی را برای

-
1. Official Development Assistance (ODA)
 2. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)
 3. New Miyazawa Initiative

مواجهه با بحران‌های آینده به وجود آورند. ژاپن نیز به دلیل اهرم اقتصادی که در اختیار داشت، در پی حفظ و گسترش منافع اقتصادی خود بود، از این رو، با تجربه‌ای که از ایجاد بانک توسعه آسیایی و دیگر نهادها و رژیم‌های منطقه‌ای داشت، دست به ابتکارهایی زد. پرسش اصلی این است که چرا ژاپن رژیم‌هایی را در منطقه شرق آسیا و فراتر از آن ایجاد کرده است یا از ایجاد آنها حمایت می‌کند؟ در این مقاله، رژیم‌سازی به‌عنوان متغیر مستقل، تثبیت جایگاه اقتصادی، و موازنه‌سازی در مقابل چین به‌عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته می‌شوند. با عنایت به استفاده از روش تبیینی و با بهره‌گیری از نظریه‌های رژیم و موازنه‌سازی، در پاسخ به پرسش اصلی استدلال می‌شود که ژاپن پس از بحران ۱۹۹۷ برای تثبیت جایگاه اقتصادی و مهار قدرت فزاینده چین، راهبرد خود را در قالب پیشنهاد تأسیس صندوق پول آسیایی، پیشنهاد داد و حمایت شدید از آسه‌آن به‌علاوه شش یا سران آسیای شرقی، حمایت از طرح مشارکت اقتصادی جامع شرق آسیا، حمایت از موافقت‌نامه مشارکت فرا پاسیفیک و همچنین تعهد به تأمین سرمایه‌ای به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ و افزایش آن به ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ را پیش برد. با توجه به انتقال قدرت از ژاپن به کشورهای دیگر آسیای شرقی به ویژه چین، هدف ژاپن، تقویت موقعیت اقتصادی خود و کسب منافع اقتصادی در منطقه شرق آسیا و همچنین مهار قدرت فزاینده چین در این منطقه است. در ادامه ابتدا چارچوب نظری ارائه می‌شود، سپس به تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از رژیم‌سازی‌های ژاپن در قالب چارچوب نظری مبادرت خواهیم کرد.

۲. چارچوب مفهومی

به‌کارگیری چارچوب نظری یا مفهومی می‌تواند بررسی موضوع‌های مختلف در حوزه سیاست و روابط بین‌الملل را جذاب و ساده سازد و درک خوانندگان را بالا ببرد. به دلیل اینکه موضوع‌ها در رشته علوم انسانی پیچیده است و ابعاد مختلفی دارد، تلفیق مفاهیم مختلف زوایای گوناگون یک پدیده را آشکارتر می‌کند. به همین ترتیب در تحلیل بحث‌های موجود، دو مفهوم رژیم‌سازی و موازنه‌سازی تشریح می‌شوند و به‌منظور افزایش قدرت تحلیل و انتقال ابعاد گوناگون واقعیت، دو مفهوم مذکور تلفیق و مباحث موردنظر در قالب آنها تجزیه و تحلیل می‌شوند.

۲.۱. رژیم‌سازی

در چند دهه اخیر (از ۱۹۷۰ به بعد)، رژیم‌های بین‌المللی در کانون توجه پژوهش‌های تجربی و مباحث نظری روابط بین‌الملل ظاهر شده‌اند. علاقه به رژیم‌ها، از نارضایتی نسبت به مفاهیم غالب مانند نظم، اقتدار و سازمان بین‌المللی ناشی می‌شد. تضاد شدید بین روابط دولت‌ها در

بستر «آنارشیک» که نتیجه آن بازی با حاصل جمع جبری صفر بود و «اقتدار» سیاست داخلی، به نظر می‌رسید اعتبار خود را برای توضیح همکاری‌های دولت‌های صنعتی پیشرفته از دست داده است و در نتیجه تردیدهای سیاسی ایجاد شده به واسطه رشد وابستگی متقابل از زمان جنگ جهانی دوم، اشکال جدیدی از هماهنگی و سازمان‌دهی را ایجاد کرد که گنجاندن آن در چارچوبی واقع‌گرایانه آسان نبود (Haggard & Simmons, 1987: 491). به همین دلیل، نظریه رژیم‌های بین‌المللی به منظور توضیح همکاری‌های دولت‌ها در عرصه بین‌المللی ایجاد شد و هدف آن فراتر رفتن از نظریات واقع‌گرایی بود که به همکاری بین‌المللی بدبین بودند (Krasner, 1983: 2). محققان بسیاری در مورد تعریف رژیم، کارکرد و ابعاد آن مباحثی را ارائه داده‌اند، برای مثال راگی رژیم را به‌عنوان مجموعه‌ای از انتظارات متقابل، قوانین و مقررات، برنامه‌ها، نیروهای سازمانی و تعهدات مالی معرفی می‌کند که توسط گروهی از دولت‌ها پذیرفته شده است (Ruggie, 1975). یانگ همچنین رژیم‌ها را به‌عنوان نهادهای اجتماعی حاکم بر اقدام‌های افراد درگیر در فعالیت‌های خاص یا مجموعه‌ای از فعالیت‌ها تعریف می‌کند (Young, 1989). استفن کرسنر رژیم را به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری صریح یا ضمنی حول محور انتظارات بازیگران در حوزه موضوعی خاص بین‌المللی تعریف می‌کند. اصول، باورهایی در مورد حقیقت، علت و صحت عمل است. هنجارها، الگوهای رفتاری در قالب حقوق و تکالیف‌اند. قواعد، تجویزهای خاص یا تجویزهایی برای کنش هستند. رویه‌های تصمیم‌گیری، سنت‌های غالبی برای اتخاذ و اجرای انتخاب جمعی‌اند (Krasner, 1983: 2). کیوهان و نای رژیم را ایجاد و پذیرش رویه‌ها، قواعد یا نهادهایی برای نوع خاصی از فعالیت‌ها، سامان حکومتی و کنترل روابط بین‌دولتی و فراملی می‌دانند و به‌صورت کلی آنها را ترتیبات حاکم می‌نامند (Keohane & Nye, 2012, 2001, 1997: 5). پوچالا و هاپکینز با تعریفی مشابه، کرسنر رژیم را به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول، هنجارها و قواعد و رویه‌ها می‌دانند که انتظارات بازیگران حول آن به هم نزدیک می‌شود. آنها معتقدند رژیم‌ها در همه حوزه‌های موضوعی روابط بین‌الملل وجود دارند و هر کجا رفتار قاعده‌مند دیده شود، باید برخی اصول، هنجارها یا قواعد برای پاسخگویی به آن رفتارها وجود داشته باشد (Puchala & Hopkins, 1982: 245-247). از تعاریف مذکور می‌توان نتیجه گرفت که رژیم، مجموعه‌ای از قواعد و اصول تنظیم‌کننده رفتار است که اقدامات طرفین حاضر در آن را به سمت و سوی توافق‌شده سوق می‌دهد.

۲.۲. موازنه‌سازی

موازنه قدرت نیز به‌عنوان مفهومی موردنظر در این پژوهش، تعریف‌های گوناگونی را از

جاناب محققان حوزه روابط و سیاست بین‌الملل به خود اختصاص داده است، برای مثال کنت والتز موازنه قدرت را توجه دولت‌ها به محیط پیرامونی و تنظیم سیاست با تغییرات ایجادشده در پیکربندی قدرت جهانی تعریف می‌کند (Waltz, 1979: 118-122). جورج شوارتزبرگر موازنه قدرت را در شرایط مطلوب، اتحاد و اتحاد مقابل، معاهده‌های تضمین [امنیت] و بی طرفی که ممکن است مقدار مشخصی ثبات در روابط بین‌الملل ایجاد کند، تعریف می‌کند (Schwarzenberger, 1964: 168-169). از نظر مارتین وایت موازنه قدرت دو معنی دارد: نخست، توزیع برابر قدرت (برابری در معنای حقیقی)؛ دوم، وضعیتی که در آن هیچ قدرت غالبی برای به مخاطره انداختن دیگران وجود ندارد (Wight, 1991: 164). مورگنتا نیز موازنه قدرت را تمایل چندین ملت به قدرت می‌داند که هر کدام سعی دارند وضع موجود را حفظ یا دگرگون کنند و این امر به الزام پیکربندی‌ای منجر می‌شود که موازنه قدرت نام دارد و به سیاست‌هایی می‌انجامد که هدف، حفظ آن [پیکربندی و موازنه قدرت] است (Morgenthau, 1991: 187). با مرور برخی تعاریف موازنه قدرت، اکنون بهتر می‌توانیم موازنه‌سازی را تعریف کنیم، موازنه‌سازی تمامی اقدام‌ها و اعمال یک یا چند دولت برای ایجاد محدودیت در مقابل بازیگر دیگر است. این اقدام‌ها و اعمال را به صورت کلی می‌توان به دو بخش خشونت‌آمیز و مسالمت‌آمیز تقسیم کرد که هر کدام به زیرگروه‌هایی قابل تقسیم است و به دلیل محدودیت‌های موجود از توضیح بیشتر چشم‌پوشی می‌شود. در پژوهش حاضر موازنه‌سازی به معنای اقدام‌های یک یا چند دولت برای محدودسازی طرف دیگر در نظر گرفته شده که دلیل آن هم یا کسب منافع اقتصادی بیشتر یا تعویق در قدرت‌یابی بیشتر و سریع‌تر است. موازنه‌سازی موردنظر در اینجا، نوع مسالمت‌آمیز آن و به صورت مشخص‌تر، به میان آوردن برخی بازیگران در سازوکار رژیم‌های منطقه‌ای و همچنین رژیم‌گرایی و رژیم‌سازی‌های رقیب است که در مقابل برخی رژیم‌های طرف مقابل ایجاد شده است.

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش



۳. رژیم‌سازی ژاپن در شرق آسیا

۳.۱. صندوق پول آسیایی

بحران پولی و مالی که آسیا و دیگر بازارهای در حال ظهور را در سال ۱۹۹۷ هدف قرار داد، شرایطی را به وجود آورد که انگیزه همکاری منطقه‌ای در آن بیشتر شد، اما مخالفت ایالات متحده و عدم حمایت چین، به معنای شکست طرح بود (Hamilton-Hart, 2004:179). هدف ژاپن تشکیل صندوق پول آسیایی به ارزش صد میلیارد دلار بود. در ساخت این نهاد اجماع کاملی درون حکومت ژاپن وجود داشت (Hirakawa, 2005:205). طرح در نشست سپتامبر ۱۹۹۷ نمایندگان مالی منطقه‌ای در هنگ‌کنگ به بحث گذاشته شد. در این نشست ده کشور آسیایی شرکت کردند و ایالات متحده و صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان اعضای ناظر^۱ حضور داشتند. درحالی‌که آسه‌آن و کره جنوبی حمایت خود از طرح صندوق پول آسیایی را اعلام کردند، ایالات متحده و استرالیا مخالف بودند و چین نیز رأی ممتنع داد (Nemoto & Nakagawa, 2014:186). این نخستین طرح نهادی بود که پس از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷ توسط ژاپن ارائه شد، اما به مرحله اجرا نرسید. صندوق پول آسیایی نشان از راهبرد اقتصادی ژاپن در منطقه داشت. ژاپن در تلاش بود خاطرات طولانی‌مدت تجاوز و استعمار خود به کشورهای آسیا را توسط رهبری نهادی از بین ببرد، اما این واقعیت همچنان مانعی بر سر راه تلاش‌های ژاپن برای ادغام منطقه‌ای بود (Saaler & Szpilman, 2011:33,34). بحران مالی به واسطه تحریک کشورهای شرق آسیا به سوی تأمین منابع مالی اضطراری حائز اهمیت است که فارغ از سلسله تحمیل‌های صندوق بین‌المللی پول بود. رقابت بین کشورهای آسیای شرقی بار دیگر پا به عرصه گذاشت و هیچ کجا آشکارتر از خودداری چین برای حمایت از طرح صندوق پول آسیایی ژاپن نبود (Ravenhill, 2008:54). حتی قبل از بحران، مقام‌های ژاپنی شایستگی‌هایی را در راستای مدیریت برخی بحران‌ها نشان داده بودند، اما مخالفت ایالات متحده و عدم حمایت چین به معنای شکست طرح بود (Hamilton-Hart, 2004:179). با مخالفتی که پیش آمد، تأسیس صندوق پول آسیایی به حاشیه رفت، اما نمایندگان مالی کشورهای آسیایی به‌همراه کانادا و ایالات متحده در سال ۱۹۹۷ در مانیل طی نشستی، چارچوب مانیل را شکل دادند که در آن بر نقش صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان راه‌حل اصلی بحران‌های پولی بین‌المللی اشاره شده بود (Nemoto & Nakagawa, 2014:187). چین در حال ظهور خواهان رهبری منطقه‌ای بود، به همین دلیل اقدام‌های خود را برای مقابله با جایگاه ژاپن آغاز کرد. ژاپن و چین هر دو در پی راهی برای ایجاد نظام آسیایی تحت کنترل خود آسیایی‌ها بودند. هدف صیانت نفس منطقه‌ای در مقابل نوسان‌های ارز مختل‌کننده و

تحركات خروج سرمايه فراملی بود، به طوری که این منطقه از اقتصاد سیاسی بین‌الملل بتواند امنیت اقتصادی ایجاد کند و بی‌اعتمادی را کاهش دهد (Mittelman, 2010:103). کاهش فعالیت صندوق بین‌المللی پول و تردید حکومت چین از مقاصد ژاپن در منطقه از علل دیگر مخالفت با ژاپن بودند (Leonard, 2005:104). دلیل نگرانی ایالات متحده از تشکیل صندوق پول آسیایی، تأثیر منفی آن بر منافع ایالات متحده و کاهش نفوذ این کشور در آسیای شرقی است؛ منطقه‌ای که از اهمیت زیادی به واسطه ظهور چین برای واشنگتن برخوردار است (Yuan & Murphy, 2010:2). ایالات متحده و صندوق بین‌المللی پول مخالفت با طرح تأسیس صندوق پول آسیایی را نقض زمینه‌های اخلاقی و نسخه‌برداری مطرح می‌کردند. استدلال آنها این بود: کشوری که بحران‌زده است، می‌تواند به راحتی شرایط سخت‌گیرانه صندوق بین‌المللی پول را از طریق دریافت پول از صندوق پول آسیایی دور بزند (Kuroda & Kawai, 2004:149).

پس از گذشت چندین سال از بحران آسیا در ۱۹۹۷، ژاپن نقش مهمی را در تلاش‌های منطقه‌ای جهت کاهش آسیب‌پذیری اقتصادهای آسیا در مقابل بحران‌های ارزی بازی می‌کند. همچنین در راستای بهبود کارایی واسطه‌گری مالی تلاش شایانی دارد (Grimes, 2009:109). ژاپن در بحران آسیا ۲۱ میلیارد دلار کمک مالی به کشورها ارائه داد، در حالی که ایالات متحده به کشورهای آسیایی ۱۴ میلیارد دلار کمک مالی کرد. در این میان چین فقط دو میلیارد دلار صرف کمک به کشورهای آسیایی کرد. در مقابل این اعمال، ایالات متحده معتقد بود مشکلات کشورها راه‌حلی بین‌المللی را می‌طلبد و ژاپن برای شکست در اصلاحات اقتصادی داخلی از سوی دولت کلینتون سرزنش می‌شد (Yahuda, 2004:320). سایت وزارت امور خارجه ژاپن مدعی است این کشور از سال ۱۹۹۵ تا پایان ۱۹۹۸، ۳/۱۸ میلیارد دلار کمک مالی را به کشورهای آسیایی اختصاص داده است که از این مقدار ۶/۷ میلیارد آن در اختیار کشورهای آسه‌آن قرار داده شده است (MOFAJ, 1999). ژاپن بحران آسیا را فرصتی طلایی می‌دید که می‌توانست از طریق آن موجبات نفوذ خود را فراهم کند، اما اعمال و سیاست‌های ژاپن انتقادهای زیادی را در پی داشت. ژاپن در مقابل فشارهای ایالات متحده در دوران بحران، سر تعظیم فرود آورد و نتوانست نقش رهبری را در تثبیت اقتصاد منطقه بازی کند، اما اگر به هدف بلندمدت ژاپن که همان نفوذ در منطقه است نگاه کنیم، واقعیت خیلی پیچیده‌تر از این است. ژاپن در پی آغاز طرح‌های سیاسی جسورانه‌ای بود که در قالب زمینه‌های مشترک عمل کند، اما آنچه کشورها به دنبال انجام آن هستند، همیشه آن چیزی نیست که به دست می‌آورند. ژاپن تلاش و افری در راستای ایجاد نظم اقتصادی جدید انجام داد، اما رفتار این کشور به دلیل برخورد با منافع و اهداف ایالات متحده محدود شد (Hatakeyama & Freedman, 2010: 285,286). صندوق بین‌المللی پول در پایان سال ۱۹۹۶ تصمیم گرفت دفتر

منطقه‌ای برای آسیا و پاسیفیک^۱ را به وجود آورد. ناظران عقیده داشتند هنگ‌کنگ مقصد صندوق بین‌المللی پول است، اما صندوق بین‌المللی پول و حامیان غربی آن امیدوار بودند، نفوذ چین را پس از چرخش هنگ‌کنگ به سمت چین در سال ۱۹۹۷ محدود کنند. به همین دلیل، توکیو به عنوان مرکز دفتر جدید منطقه‌ای انتخاب شد. صندوق بین‌المللی پول دفتر منطقه‌ای برای آسیا و پاسیفیک را به منظور آگاهی از چشم‌اندازهای منطقه‌ای در خصوص مسائل بسیار مهم بازگشایی کرد. ژاپن به دنبال حضور و نفوذ بود، اما این اهداف با اهداف صندوق تفاوت داشت (Hatakeyama & Freedman, 2010:293). ژاپن تلاش زیادی انجام داد تا طرح خود را به مرحله اجرا گذارد، اما از یک طرف بی‌اعتمادی و از طرف دیگر عدم حمایت قدرت‌های دیگر، مانع به نتیجه رسیدن آن شد. طرح صندوق پول آسیایی ژاپن به مرحله اجرا نرسید، اما این کشور دست از ارائه طرح‌های مختلف برنداشت. به همین منظور، پیوسته با هدف تثبیت و ارتقای جایگاه اقتصادی خود در منطقه آسیای شرقی و موازنه‌سازی، با چین به رقابت می‌پردازد. در ادامه به موفقیت‌های اصلی ژاپن در حوزه رژیم‌سازی و نهادگرایی منطقه‌ای اشاره خواهد شد.

۲. ۳. سران آسیای شرقی (آسه‌آن به علاوه شش)

ژاپن در مقابل طرح آسه‌آن به علاوه سه چین، گروه آسه‌آن به علاوه شش را پیشنهاد کرد که افزون بر آسه‌آن به علاوه سه، سه کشور هند، استرالیا و نیوزیلند را در برمی‌گرفت (Liang, 2011:50). قبل از اینکه موافقت‌نامه مشارکت فرا پاسیفیک و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای به عنوان دو مفهوم رقیب در معماری منطقه‌ای آسیای شرقی و آسیا-پاسیفیک شروع به عمل کنند، دو طرح رقیب منطقه‌ای در آسیای شرقی وجود داشت. در یک طرف، آسه‌آن به علاوه سه، منطقه آزاد تجاری آسیای شرقی را به عنوان هدفی بلندمدت اتخاذ کرد که به شدت از سوی چین حمایت می‌شد. در طرف دیگر، ژاپن از ایده مشارکت اقتصادی جامع برای آسیای شرقی^۲ حمایت می‌کرد که قرار بود استرالیا، نیوزیلند و هند به اضافه ۱۳ کشور متعلق به گروه آسه‌آن به علاوه سه را نیز در برگیرد. این طرح به عنوان مدلی برای تأمین موازنه بیشتر در مقابل چین در نظر گرفته می‌شود. همچنین رویکرد گسترده‌تری را نسبت به منطقه منحصراً شرق آسیا در برمی‌گیرد (Lewis, 2012: 228). قدم دیگری به سوی همکاری بیشتر در آسیای شرقی، پیش از اتمام قرن بیستم وجود داشت. اعضای آسه‌آن به علاوه سه در سال ۲۰۰۰ به عنوان چهارمین نشست خود با یکدیگر دیدار کردند و گروه بررسی آسیای شرقی را برای سنجش دو ایده، با عناوین سران آسیای شرقی و منطقه آزاد تجاری آسیای شرقی به وجود

1. Regional Office for Asia and the Pacific (OAP)

2. Comprehensive Economic Partnership for East Asia (CEPEA)

آوردند. ایده سابق که توسط مالزی مطرح شد، اقدامی بود به منظور جایگزینی نشست کنونی آسه‌آن به علاوه سه با انجمنی که هر کشور به‌عنوان عضو آسیای شرقی در آن حضور یابد. افزون‌بر این، تایلند ایده بعدی مبنی بر تشکیل منطقه آزاد تجاری آسیای شرقی را مطرح کرد. اعضا همچنین در مورد بررسی امکان ایجاد منطقه سرمایه‌گذاری آزاد توسط گروه بررسی آسیای شرقی توافق کردند. تا آنجایی که به موضع ژاپن مربوط می‌شود، یوشیرو موری^۱ نخست‌وزیر وقت ژاپن پس از نشست پیشنهاد داد، توکیو مایل است گفت‌وگو درباره سران آسیای شرقی را با آسه‌آن تعمیق دهد. با این حال به نظر می‌رسید ژاپن نسبت به منطقه آزاد تجاری محتاط‌تر است. وزیر امور خارجه ژاپن نیز اظهار داشت ایده تشکیل منطقه آزاد تجاری ساده نیست و به بررسی بیشتر توسط مقام‌های منطقه‌ای نیاز دارد (Hayashi, 2006:116). با این حال، در ابتدا مقام‌های چین از اعلام موضع خود نسبت به دو طرح امتناع می‌کردند. به نظر می‌رسید چین به علت ارائه طرح منطقه آزاد تجاری آسیای شرقی آشفته شده است. دلیل آشفته‌گی نیز این بود که قبل از نشست، امکان ایجاد منطقه آزاد تجاری بین آسه‌آن و چین را مطرح کرده بود، نه میان کشورهای آسیای شرقی. چین همکاری با ژاپن و کره جنوبی را پذیرفت، اما در همین حال، برای ایجاد منطقه آزاد تجاری با آسه‌آن تلاش می‌کرد. پذیرش و توافق چین، با وجود مخالفت قبلی، مبتنی بر این بود که رهبران سه کشور آسیای شمال شرقی در زمان‌های مقرر نشست آسه‌آن به علاوه سه همکاری داشته باشند (Hayashi, 2006:116-117). ژاپن به علت پیوندهای عمده سرمایه‌گذاری و تجاری با ایالات متحده و کشورهای غربی، در پی جلوگیری از ادغام این انجمن به بلوک اقتصاد آسیایی صرف با رهبر فرضی آن (چین) بود و برای ایجاد اجتماع کشورهای آسیای شرقی که شامل آسه‌آن به علاوه سه و همچنین استرالیا، نیوزیلند و هند است، تلاش کرد. نشست سران آسیای شرقی که اولین بار در دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد، قدمی در همین زمینه بود. با نگرش دو قدرت اصلی آسیایی نسبت به یکدیگر، ادغام منطقه‌ای درون آسه‌آن به علاوه سه به‌سختی می‌تواند پیشرفتی داشته باشد (Lewis, 2012: 228). دیدگاه ژاپن به همکاری، حوزه وسیع‌تری نسبت به چین را در برمی‌گیرد. به همین دلیل، به دنبال منافع بیشتر در قالب رژیم‌های گسترده‌تر از لحاظ عضویت است. جهان‌بینی ژاپن به ارائه این پیشنهاد منجر شد، بدین معنی که دیدگاه بازیگران در صحنه بین‌الملل، برآمده از منافع آنهاست. این طرح ژاپن نیز، مدلی در مقابل مدل چین (آسه‌آن به علاوه سه) در نظر گرفته می‌شود که با هدف تثبیت منافع اقتصادی ژاپن در منطقه و همچنین موازنه‌ای در مقابل استیلای چین در جنوب شرق آسیا، اجرایی شد. ژاپن در راستای کسب اهداف موردنظر با تلاش‌های خود درون این رژیم منطقه‌ای، در پی توسعه و تعمیق همکاری

1. Yoshiro Mori

از طریق اعتمادسازی‌های متقابل بود و در این راه، به دلیل داشتن تجربه‌های تاریخی مختلف در امر رژیم‌سازی، توانست موجبات توسعه و تعمیق همکاری درون و برون‌منطقه‌ای را فراهم کند. این کشور در جهت تحقق اهداف بلندمدت خود، به سمت ارائه و حمایت از طرح‌ها و ابتکاراتی درون این رژیم منطقه‌ای حرکت کرد و اولین طرح را با عنوان مشارکت اقتصادی جامع در آسیای شرقی پیشنهاد داد.

مشارکت اقتصادی جامع در آسیای شرقی^۱ برای پشتیبانی از آسه‌آن به‌علاوه شش در سال ۲۰۰۷ در سران آسیای شرقی توسط ژاپن مطرح شد و بلافاصله گروهی مطالعاتی برای بررسی [امکان ایجاد] آن به‌وجود آوردند (Hiratsuka, 2011: 335). سران آسیای شرقی از دبیرخانه آسه‌آن درخواست کردند، بازه زمانی مشخصی را برای مطالعه و بررسی این طرح تهیه و آماده کند. جلسه‌های گروه مطالعاتی مشارکت اقتصادی جامع در شرق آسیا تاکنون چندین بار به ریاست ژاپن برگزار شده است و مشارکت‌کنندگان ملزم شده‌اند در مورد مسائل مربوط به این طرح گزارش دهند (Hiratsuka, 2011: 335). مذاکره‌های بین طرفین به‌صورت گسترده انجام گرفت، اما به دلیل تفاوت دیدگاه چین و ژاپن (نسبت به عضویت)، طرح ژاپن اجرایی نشد. اگرچه طرح جایگزینی (تقریباً با همین چارچوب) بعدها به‌صورت توافقی توسط چین و ژاپن به اجرا درآمد، لیکن این اقدام را می‌توان چرخشی راهبردی از جانب چین در مقابل طرح مشارکت فرا پاسیفیک، به حمایت گسترده ژاپن در نظر گرفت. به‌عنوان دومین طرح، ژاپن مؤسسه تحقیقات اقتصادی آسه‌آن و آسیای شرقی را ارائه داد.

ابتکار نیرومند حکومت ژاپن برای تشکیل مؤسسه تحقیقات اقتصادی آسه‌آن و آسیای شرقی^۲ در راهبرد ژاپن برای کمک به گسترش ادغام اقتصادی در آسیای شرقی و حفظ و توسعه حضور ژاپن در این منطقه ریشه دارد. ریشه طرح، راهبرد اقتصاد جهانی بود که توسط وزارت اقتصاد، تجارت و صنعت^۳ در سال ۲۰۰۶ اعلام شد. براساس این نظر، گروه تخصصی مؤسسه تحقیقات اقتصادی آسیای شرقی شامل متخصصانی از شانزده دولت عضو سران آسیای شرقی و نمایندگانی از دبیرخانه آسه‌آن در سال ۲۰۰۶، گفت‌وگو را برای مفاهیم، دستورالعمل‌ها، ساختارهای سازمانی، زمینه‌های تحقیقاتی و پروژه‌های ظرفیت‌سازی که باید در طرح توسعه یابند، آغاز کردند. نمایندگان ژاپن گفت‌وگو درون گروه تخصصی را رهبری می‌کردند. ژاپن مجدداً ایجاد مؤسسه تحقیقات اقتصادی آسیای شرقی را در دومین نشست سران آسه‌آن در سال ۲۰۰۷ با مدنظر قرار دادن گفت‌وگوهای گروه تخصصی مطرح کرد و دیگر شرکت‌کنندگان از آن استقبال کردند. مؤسسه در سال ۲۰۰۷ شروع به توسعه برخی

1. Comprehensive Economic Partnership in East Asia (CEPEA)

2. Economic Research Institute for ASEAN and East Asia (ERIA)

3. Ministry of Economy, Trade and Industry (METI)

پروژه‌ها کرد و سومین نشست سران آسیای شرقی به صورت رسمی تصمیم به ایجاد مؤسسه گرفت. نشست افتتاحی هیأت اداری مؤسسه در سال ۲۰۰۸ برگزار شد و بیانیه تشکیل مؤسسه را تصویب کرد. اهداف مؤسسه کمک به ادغام منطقه‌ای در آسیای شرقی با پیشبرد سیاست تحقیقاتی در سه محور اصلی تعمیق همگرایی اقتصادی، کاهش شکاف‌های توسعه و توسعه پایدار با دستاوردهای سیاست تحقیقاتی از هم‌اندیشی‌ها و نشست‌های دوستانه و با توصیه‌های سیاسی برای سران آسیای شرقی و سران آسیا و دیگر نشست‌هاست (Oba, 2014: 62-63). با وجود اجماع در شکل‌گیری طرح آسه‌آن به‌علاوه شش، ارائه پیشنهادها گوناگون درون این رژیم منطقه‌ای قوت گرفت. ژاپن به دلیل تمایل شدید به همکاری در قالب این رژیم، فعالیت‌های خود را تسریع کرد و با وجود اعتماد بین بازیگران، پیشنهاد تشکیل این طرح را داد تا ادغام منطقه‌ای را تسریع بخشد (این امر مستلزم حضور بیشتر ژاپن در کشورهای منطقه و به تبع آن، منافع گسترده‌تر برای این کشور می‌شد). طرح چین برای بررسی امکان منطقه آزاد تجاری در سال ۲۰۰۵ براساس عضویت آسه‌آن به‌علاوه سه مطرح شد، یک سال بعد، ابتکار منطقه آزاد تجاری جایگزین ژاپن به نام مشارکت اقتصادی جامع برای آسیای شرقی مطرح شد که اعضای آن شامل آسه‌آن به‌علاوه سه به اضافه استرالیا، هند و نیوزیلند بود (Dent, 2017:200). دو طرح به صورت رقیب در مقابل هم قرار گرفتند که موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به این طرح‌ها شد، کشورهایی مثل ژاپن، هند، استرالیا و نیوزیلند مشتاق پیوستن به طرح ژاپن بودند و از آن حمایت می‌کردند، در مقابل، کشورهای چین و کره جنوبی از طرح چین (منطقه آزاد تجاری در قالب آسه‌آن به‌علاوه سه) حمایت می‌کردند، در آسه‌آن نیز اجماعی وجود نداشت و کشورهای مثل مالزی، تایلند و فیلیپین بیشتر متمایل به حمایت از چین بودند و کشورهای مثل سنگاپور و اندونزی که مانند ژاپن دیدگاه وسیع‌تری در زمینه همکاری داشتند، به حمایت از طرح ژاپن متمایل بودند. اختلاف‌ها ادامه داشت و تا سال ۲۰۱۱ راه‌حلی برای تشکیل منطقه آزاد تجاری با اتفاق نظر طرفین شکل نگرفت. اگرچه اختلاف‌های چین و ژاپن مانع از رسیدن به توافق می‌شد، رفته‌رفته به دلیل پافشاری ژاپن و تمایل آسه‌آن، موجب مطرح کردن ابتکاری از جانب آسه‌آن شد که پس از بررسی چین و ژاپن پذیرفته شد (Urata, 2014: 246; Renwick, 2008: 220). تقابل بین دو مدل ادغام منطقه‌ای آسه‌آن محور، با سازش چین-ژاپن به پایان رسید و به واسطه ابتکار مشترک چین-ژاپن برای سرعت بخشیدن به تشکیل دو طرح (منطقه آزاد تجاری آسیای شرقی چین و مشارکت اقتصادی جامع برای آسیای شرقی ژاپن) در سال ۲۰۱۱ مطرح شد. در این طرح چین و ژاپن به صورت اشتراکی ایجاد سه گروه کاری جدید (برای تجارت کالا، تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری) را به منظور آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری مطرح کردند. طرح

با استقبال کشورهای آسه‌آن مواجه شد و در نوامبر ۲۰۱۱ رهبران آسه‌آن چارچوبی را برای مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای امضا و آن را جایگزین دو طرح قبلی ساختند. در هفتمین نشست سران آسیای شرقی در نوامبر ۲۰۱۲ رسماً مذاکرات طرح بین طرفین آغاز شد (Oba, 2014:62). چین و ژاپن هر دو نامزدهای بدیهی رهبری شرق آسیا هستند و باید نقش خود را بازی کنند. ژاپن، نیازمند تحرک بیشتری برای ختنی کردن چالش‌های چین است (Chirathivat, 2006: 87). رقابت پیوسته بین چین و ژاپن به منظور نفوذ منطقه‌ای عاملی اساسی در تأثیر سیاسی تدریجی در پس منطقه‌گرایی اقتصادی آسیای شرقی است. چین به صورت فعال در پی منطقه‌گرایی محدود در چارچوب آسه‌آن به علاوه سه است، درحالی‌که ژاپن همراه با اندونزی و سنگاپور رویکردی وسیع‌تر به مسئله عضویت دارند که از طریق ایجاد و گسترش آسه‌آن به علاوه شش در راستای موازنه نهادی در مقابل سلطه چین است (Roberts, 2013: 284).

۳.۳. مشارکت جامع اقتصادی ژاپن-آسه‌آن

نخست‌وزیر ژاپن کویزومی^۱ در سال ۲۰۰۲ طرحی را با عنوان مشارکت جامع اقتصادی ژاپن-آسه‌آن ارائه داد که شامل عناصر منطقه آزاد تجاری بود. ژاپن و آسه‌آن چارچوبی را برای این طرح ایجاد و موافقت کردند از سال ۲۰۰۵ وارد مذاکرات شوند (Hayashi, 2006: 121). مذاکرها برای ایجاد منطقه آزاد تجاری با تایلند، فیلیپین و مالزی در اواسط ۲۰۰۲ آغاز شد. منطقه آزاد تجاری ژاپن-سنگاپور در سال ۱۹۹۹ امضا شده بود. بیانیه مشترک آسه‌آن-ژاپن در سال ۲۰۰۲ منتشر شد که در آن اعلام شده بود، رهبران اقداماتی را در راستای تحقق مشارکت، شامل عناصر منطقه آزاد تجاری اعلام می‌کنند که باید هرچه زودتر به صورت کامل طی ده سال تکمیل شود. مذاکرها آسه‌آن و ژاپن در سال ۲۰۰۷ بر سر عنصر تجارت کالا به پایان رسید، با این حال، تجارت خدمات عنصری را در برمی‌گرفت که هنوز نتیجه‌ای از پس آن حاصل نشده بود (Hamanaka, 2008: 77). در بیانیه اعلام شده بود که ژاپن و آسه‌آن باید به دنبال مشارکت اقتصادی وسیع باشند که مسائلی مانند آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری، ترویج سرمایه‌گذاری و تجارت و اقدام‌های تسهیل‌کننده شامل استانداردهای همسان و کاهش / حذف تعرفه و همکاری در حوزه‌های دیگر، علم و فناوری، توسعه منابع انسانی، شرکت‌ها کوچک و متوسط، گردشگری، حمل‌ونقل، انرژی و امنیت غذایی را در برمی‌گرفت (Oba, 2008:110-111). منطقه آزاد تجاری شامل سه حوزه کالا، خدمات و سرمایه‌گذاری می‌شد. موافقت‌نامه، شرکت‌های ژاپنی را قادر می‌ساخت همان‌گونه‌که سرمایه‌های خود را در آسیای جنوب شرقی صرف می‌کنند، هزینه‌های تجاری خود را کاهش دهند. برای مثال تعرفه

1. Junichiro Koizumi

صادرات ژاپن از یک کشور به کشور دیگر حذف خواهد شد. به‌خصوص، کارخانه‌های خودرو و قطعات الکترونیکی می‌توانند به‌عنوان بخشی از کشورهای گوناگون منطقه، معاف از تعرفه مونتاژ که در این موافقت‌نامه ذکر شده است، سود ببرند. ژاپن تعرفه بر ۹۳ درصد واردات از آسه‌آن را در طول ده سال مقرر، لغو خواهد کرد. در ضمن، شش عضو اصلی آسه آن شامل برونتی، اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند، تعرفه بر نود درصد واردات از ژاپن را شامل خودروها در طول ده سال حذف خواهند کرد. جدول لغو تدریجی‌تر تعرفه برای چهار عضو باقی‌مانده آسه‌آن با اقتصادهای کوچک‌تر نیز شامل کامبوج، میانمار، لائوس و ویتنام تنظیم شد. توافق با آسه‌آن، هشتمین منطقه آزاد تجاری ژاپن، پس از موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد دوجانبه با سنگاپور، مکزیک، مالزی، شیلی، تایلند، اندونزی و برونتی است (Mukhopadhyay & Thomassin, 2010: 14-15). پس از یازده دور مذاکره، موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی جامع آسه‌آن و ژاپن^۱ در سال ۲۰۰۸ امضا و در اوایل ۲۰۰۹ اجرایی شد (OECD, 2012: 191). براساس جدول ۱، روند شکل‌گیری موافقت‌نامه‌های منطقه آزاد تجاری چین و ژاپن با آسه‌آن به‌صورت مقایسه‌ای قابل مشاهده است. همان‌طور که پیداست چین مذاکرات خود با آسه‌آن به‌منظور تشکیل منطقه آزاد تجاری را نزدیک به سه سال زودتر آغاز کرد و تا سال ۲۰۱۰ به‌صورت کامل موافقت‌نامه اجرایی شد. روند مذاکرات و تصویب موافقت‌نامه چین-آسه‌آن طولانی‌تر از ژاپن-آسه‌آن است، اما به همین نسبت، موافقت‌نامه چین و آسه‌آن جامع و کامل‌تر از موافقت‌نامه ژاپن و آسه‌آن است.

جدول ۱. روند شکل‌گیری مناطق آزاد تجاری چین و ژاپن با آسه‌آن

مشارکت اقتصادی جامع آسه‌آن-ژاپن	موافقت‌نامه همکاری اقتصادی جامع آسه‌آن-چین
-	۲۰۰۱ (نوامبر) توافق وزرا برای آغاز مذاکره
(نوامبر) اعلامیه وزرا جهت اجرای موافقت‌نامه	۲۰۰۲ (نوامبر) امضای چارچوب موافقت‌نامه
(نوامبر) توافق برای آغاز مذاکرات.	۲۰۰۴ (نوامبر) امضای موافقت‌نامه تجارت کالا
(آوریل) امضای چارچوب موافقت‌نامه	۲۰۰۵ (جولای) اجرایی شدن موافقت‌نامه
(نوامبر) پایان رسیدن مذاکرات	۲۰۰۷ (ژانویه) امضای موافقت‌نامه تجارت خدمات
(دسامبر) امضای موافقت‌نامه	۲۰۰۸ (آوریل) اجرایی شدن موافقت‌نامه
(ژانویه) اجرایی شدن موافقت‌نامه	۲۰۰۹ (اوت) امضای موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری
-	۲۰۱۰ (ژانویه) اجرایی شدن موافقت‌نامه

منبع: (OECD, 2012: 190; ADB, 2017)

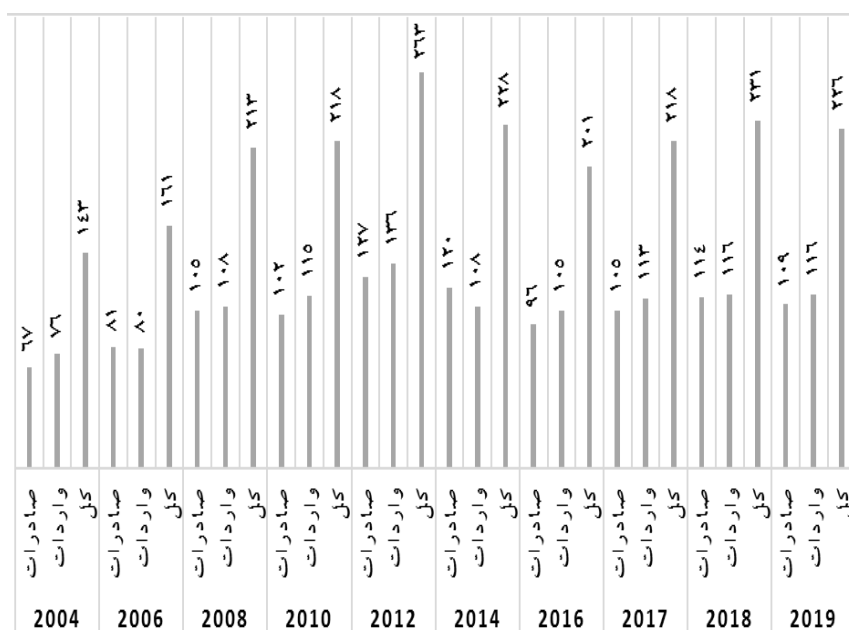
1. ASEAN-Japan Comprehensive Economic Partnership (AJCEP)

در مقایسه با ژاپن، در مورد ایجاد منطقه آزاد تجاری با آسه‌آن و تک‌تک اعضای آن سریع‌تر از چین به نتیجه رسید. این موضوع دلایلی دارد، تمام آنها از تفاوت اساسی بین دو کشور ریشه می‌گیرد؛ یعنی رژیم‌های داخلی و جایگاه بین‌المللی. ابتدا رژیم اقتدارگرای چین تصمیم‌گیران را از گروه‌های ذی‌نفع داخلی جدا کرده است، به آنها اجازه می‌دهد تا از نیاز به سازش بین منافع داخلی و بین‌المللی خودداری کنند. در طرف دیگر، ژاپن رژیم دموکراتیک بالغی با بخش‌های اقتصادی متنوع دارد که در مقابل آزادسازی می‌ایستند، مانند کشاورزی. مذاکرات حول منطقه آزاد تجاری دوجانبه با کشورهای آسه‌آن گاهی پیشرفت کندی دارد، دلیل آن هم عدم تمایل ژاپن برای گسترش تجارت آزادتر در محصولات کشاورزی و بازار کار به واسطه فشارهای سنگین از جانب گروه‌های ذی‌نفع هر بخش است. دوم، چین جزو کشورهای در حال توسعه دسته‌بندی شده است، بنابراین، منطقه آزاد تجاری چین با کشورهای آسه‌آن باید شرایط تنظیم‌کننده ماده «تواناسازی» گات را برآورده سازد. در حالی که ژاپن باید مناطق تجارت آزادی را ایجاد کند که شرایط فصل ۲۴ گات را در برگیرد. فصل ۲۴ قید می‌کند، اعضای اتحادیه گمرکی و مناطق تجارت آزاد نباید آیین‌نامه‌های وارداتی را بر اعضای غیرعضو که محدودتر از اعضای قبلی تشکیل‌دهنده اتحادیه گمرکی‌اند، تحمیل کنند. ماده تواناسازی، در عمل به کشورهای در حال توسعه اجازه می‌دهد تا مناطق تجارت آزاد را بدون محدود کردن موضوع به شرایطی تحت فصل ۲۴ گات ایجاد کنند. پس چین می‌تواند به راحتی به سمت قرارداد مناطق تجاری با آسه‌آن برود، در صورتی که ژاپن باید سنجش و احتیاط بیشتری داشته باشد (Oba, 2008: 110-111).

موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی جامع بین ژاپن و اعضای آسه‌آن به‌جز اندونزی در مارس ۲۰۱۲ اجرایی شد [موافقت‌نامه تجارت کالا بین دو طرف در سال ۲۰۰۹ اجرایی شده بود] (Oba, 2014: 61)، ژاپن همچنین با هفت کشور آسه‌آن موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی دوجانبه دارد که همکاری‌های اقتصادی را پوشش می‌دهد (Sirivunnabood, 2017:62). تجارت کالا ژاپن و آسه‌آن فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است، برای مثال می‌توان به سیر تاریخی تجارت کالا (از نظر درصد از کل) بین دو طرف ژاپن و آسه‌آن به‌عنوان یک کل اشاره کرد که از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۵ کاسته شده است، به‌گونه‌ای که حجم تجارت کالا بین دو طرف در ۲۰۰۳، ۸/۱۳ درصد از حجم کل تجارت کالا را به خود اختصاص می‌داد، این رقم در سال ۲۰۰۵ به ۶/۱۲ درصد کاهش یافت، روند کاهش تجارت کالا بین دو طرف پیوسته ادامه دارد، این رقم در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ به ترتیب و به‌صورت نزولی به ۳/۱۱، ۶/۹ و ۸ درصد کاهش یافته است (ASEAN SDP, 2020; ASEAN Secretariat, 2013:21; ASEAN Secretariat, 2016: 23). یکی از عللی که ژاپن به‌دنبال شکل‌دهی منطقه تجارت آزاد

با آسه‌آن است، کاهش سهم این کشور در تجارت با آسه‌آن است. به همین دلیل، ژاپن در پی افزایش مجدد سهم خود از تجارت کالا با آسه‌آن در قالب منطقه آزاد تجاری بود که بالاخره در سال ۲۰۱۲ اجرایی شد، اما افزون بر عدم قاطعیت ژاپن در رژیم‌سازی، مانع بزرگ دیگری نیز وجود دارد و آن اقتصاد عظیم چین است که پیوسته رشد و گسترش می‌یابد، به همین دلایل نیز شاهد نوسان‌های زیادی در روابط تجاری به‌خصوص تجارت کالا بین طرفین هستیم.

نمودار ۱. تجارت کالا آسه‌آن-ژاپن (میلیارد دلار)



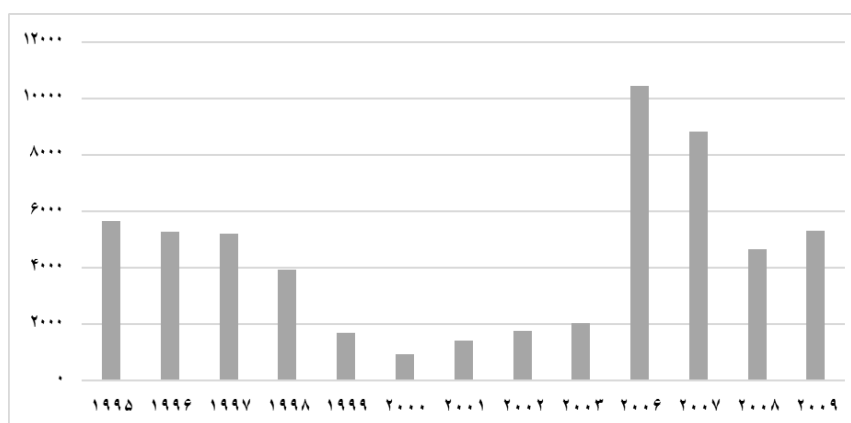
منبع: (ASEAN Secretariat, 2018)

در نمودار ۱ ارقام تجارت کالا ژاپن-آسه‌آن نشان داده شده است، با نگاهی کلی مشاهده می‌شود که حجم تجارت کالا بین دو طرف از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ پیوسته افزایش نشان می‌دهد، در صورتی‌که از سال ۲۰۱۲ حجم تجارت کالا به‌صورت نزولی کاهش یافته و تا سال ۲۰۱۶ ادامه داشته است. اگرچه در سال‌های بعد بار دیگر حجم تجارت دوجانبه افزایش یافته، با این حال به وضعیت سال ۲۰۱۲ باز نگشته است. ژاپن بارها تلاش‌های زیادی برای کسب سود بیشتر با آسه‌آن انجام داده است و پیوسته مذاکره‌های دوجانبه بین این کشور و آسه‌آن ادامه دارد، اما این امر موفقیت‌های اندکی را نسبت به چین به‌همراه داشته است.

تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری بین ژاپن و آسه‌آن براساس موافقت‌نامه‌های مشارکت اقتصادی دوجانبه شکل گرفته است که ژاپن با هفت کشور آسه‌آن از این نوع موافقت‌نامه‌ها با هدف همکاری اقتصادی دارد و در موافقت‌نامه منطقه آزاد تجاری بر لزوم همکاری در قالب دوجانبه تأکید شده است (Sirivunnabood, 2017: 62). تجارت خدمات از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۱ به‌واسطه توسعه شبکه‌های تولیدی شرکت‌های چندملیتی ژاپن درون آسه‌آن طی دهه ۲۰۰۰ افزایش یافته است. در همین دوره زمانی نسبت حق امتیاز و هزینه مجوز برای واردات خدمات ژاپنی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است (از ۱ درصد به ۱۴ درصد). این داده‌ها نشان می‌دهد که معاملات فناورانه بین ژاپن و آسه‌آن با تکامل شبکه‌های تولیدی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی ژاپن در یک راستا شکل گرفته است (Sato, 2014: 6).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ژاپن در آسه‌آن در دوره بحران و قبل از آن رقم شایان ملاحظه‌ای را گویا بود، به‌گونه‌ای که سال‌های قبل از بحران پیوسته به حجم آن افزوده می‌شد، اما با وقوع بحران پولی و مالی شرق و جنوب شرق آسیا به‌تدریج حضور ژاپن در قالب سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه نسبت به رقیب خود (چین) کم‌رنگ شد، دلیل آن نیز مشکلات اقتصادی خود ژاپن بود.

نمودار ۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ژاپن در آسه‌آن (میلیون دلار)

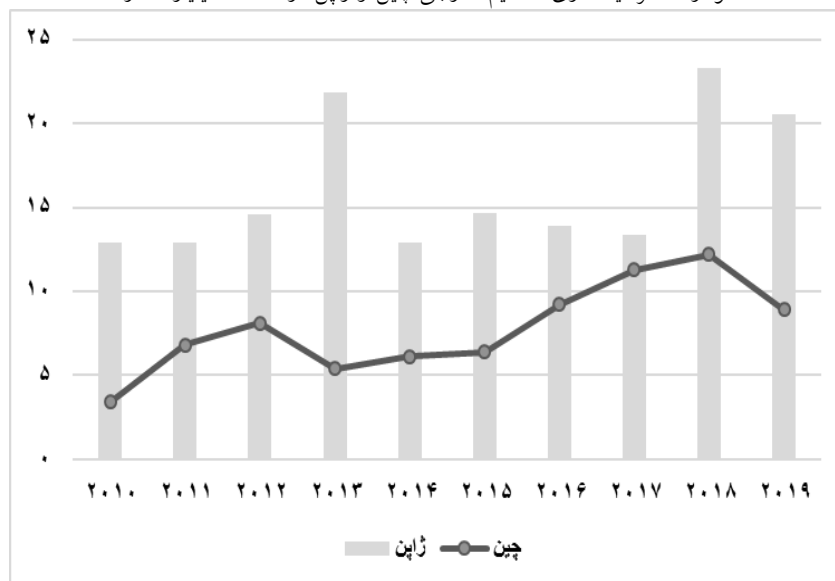


منبع: (ASEAN Secretariat, 2010:9; Hernandez, 2005:5)

نمودار ۲ نشان‌دهنده این روند نزولی است، کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم ژاپن در آسه‌آن از سال ۱۹۹۶ آغاز شد و در سال ۲۰۰۰ به اوج خود رسید، یعنی از ۶۴۹/۵ میلیون دلار در ۱۹۹۵ به ۹۴۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ رسید که نزدیک به ششصد درصد کاهش نشان می‌دهد.

دهد. اگرچه در طول بحران ژاپن بیشترین کمک‌های پولی و مالی را به کشورهای منطقه به منظور برون‌رفت از وضعیت اقتصادی آشفته ارائه داد، اما حجم سرمایه‌گذاری این کشور در آسه‌آن نیز به شدت کاهش یافت. تغییرات ذکر شده به صورت جدول به منظور درک بهتر در زیر آورده شده است. در سال‌های پس از بحران، ژاپن در پی افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه بود و فرصت را غنیمت شمرد و موافقت‌نامه‌های مشارکت اقتصادی را با کشورهای منطقه شکل داد، ژاپن منطقه آزاد تجاری با سنگاپور را در ۲۰۰۲، با مالزی در ۲۰۰۶، با اندونزی در جولای ۲۰۰۸، با فیلیپین در نوامبر ۲۰۰۸، با برونئی در دسامبر ۲۰۰۸، با تایلند در مه ۲۰۰۹ و ویتنام در اکتبر ۲۰۰۹ ایجاد کرد. هدف ژاپن گسترش حضور خود و وابسته کردن ساختار این کشورها به استانداردهای موردنظر خود و به تبع آن کسب سود بیشتر بود (Hook et al., 2012: 227).

نمودار ۳. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین و ژاپن در آسه‌آن (میلیارد دلار)



منبع: (ASEAN SDP, 2020)

در نمودار ۳ نیز حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی چین و ژاپن در کشورهای آسه‌آن به صورت مقایسه‌ای آورده شده است، بدین صورت که این شاخص از معیارهای تأثیرگذار در نفوذ این دو کشور در منطقه آسیای جنوب شرقی است. میزان سرمایه‌گذاری ژاپن در این کشورها بیشتر است، اما سیر روند سرمایه‌گذاری ژاپن و چین در کشورهای آسه‌آن نشان می‌دهد که افزایش حجم سرمایه‌گذاری چین که به نظر می‌رسد پس از شکل‌گیری منطقه آزاد

تجاری در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته و در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال قبل دو برابر شده و حجم سرمایه‌گذاری ژاپن (فاصله اندک با چین در سال ۲۰۱۷) کاهش یافته، اما با این حال در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بار دیگر افزایش یافته است. ژاپن نیز از وضعیت موجود ناراضی بوده و با اقدام‌های خود درصدد افزایش آن با هدف حفظ منافع خود و مهار چین در اشکال مختلف است.

۳. ۴. تأمین سرمایه زیرساختی در آسیا توسط ژاپن

شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن در ماه مه در مقابل بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی^۱ که چین آن را تأسیس کرده است، افزایش عظیمی را در سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا به همراه بانک توسعه آسیایی اعلام کرد. درحالی‌که چین بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی را مطرح و سرمایه آن را صد میلیارد دلار تعیین کرده است، ژاپن و بانک توسعه آسیایی به صورت مشترک ۱۱۰ میلیارد دلار را برای تأمین مبتکرانه سرمایه زیرساختی طی پنج سال آینده افزوده‌اند که افزایش شایان‌ملاحظه بیش از سی درصدی نسبت به سرمایه پیشین است. علاوه بر این، نشست سران ژاپن-مکونگ در جولای ۲۰۱۵ برگزار شد که در آن ژاپن متعهد شد ۱/۶ میلیارد دلار کمک مالی برای حمایت از طرح مکونگ ۵ (کامبوج، تایلند، ویتنام، میانمار و لائوس) ارائه دهد، پیشنهادی که به موجب آن نفوذ ژاپن در منطقه به‌منظور موازنه ظهور چین افزایش می‌یابد. ژاپن به‌صورت غیرمستقیم در حوزه مکونگ بزرگ‌تر^۲، شش اقتصاد به نام‌های کامبوج، چین (استان یونان و منطقه خودمختار گوانگ ژو ژوانگ^۳)، لائوس، میانمار، تایلند و ویتنام از سال ۱۹۹۲ مشارکت دارد (Tan et al., 2016: 30-31). نیمی از سرمایه ژاپن به‌صورت دوجانبه و نیمی با همکاری بانک توسعه آسیایی پرداخت خواهد شد. ژاپن متعهد شد تا زیرساخت‌های باکیفیتی را تحویل دهد. پل عظیم نیک لوانگ^۴، واقع در شرق پنوم‌پن (کامبوج)، بزرگراه شلوغی که به سمت شهر هوشی‌مین کشیده شده است، نشان‌دهنده این است که چگونه نبرد مالی بین چین و ژاپن می‌تواند به آسیای توسعه‌نیافته سود برساند. ساختار دو کیلومتری مکونگ فقط شش ماه پس از ساخت پل ساده‌تر چین در پایتخت کامبوج افتتاح شد. کمک ۱۳۰ میلیون دلاری ژاپن سبب شد گذرگاه کم‌عرض عبور وسایل حمل‌ونقل بین دو شهر حذف شود. بانک توسعه آسیایی پل را به‌عنوان پیوند حیاتی ساخت راهرو اقتصادی جنوبی^۵ بین تایلند و ویتنام و بخش کلیدی برنامه توسعه زیرمنطقه

1. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

2. Greater Mekong Basin

3. Guangxi Zhuang Autonomous Region

4. Neak Loeng Bridge

5. Southern Economic Corridor

مکونگ بزرگ‌تر می‌بیند. رقابت بین چین و ژاپن در سراسر آسیای جنوب شرقی پراکنده شده است. در هانوی، گروه راه‌آهن چین، در حال ساخت بخشی از سیستم جدید راه شهری هستند. چین و ژاپن همزمان در حال کمک به تأمین مالی پروژه هستند. پایتخت ویتنام در حال حاضر مقصد فرودگاه هوایی یک میلیارد دلاری پرزرق‌وبرق جدیدی است که توسط بزرگراه شش باند و پل نه کیلومتری بر فراز رودخانه سرخ به شهر متصل شده است و با کمک ژاپن در حال ساخت است. برای کشوری مثل ویتنام با این سطح از توسعه‌یافتگی اندک، کیفیت زیرساختی هانوی خیره‌کننده است. در ویتنام، کامبوج و دیگر نقاط، رهبران منطقه‌ای به دنبال قرض گرفتن پول با بهره کم هستند. در سال ۲۰۱۵، پس از ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیایی، بانک جهانی یازده میلیارد دلار وام جدید را برای پروژه‌های زیرساختی اندونزی پیشنهاد داده است. در ضمن، بانک توسعه آسیایی ظرفیت قرض‌دهی خود را پنجاه درصد افزایش داده است (Miller, 2017: 38-39). نشست مکونگ-ژاپن در جولای ۲۰۱۵ برگزار شد و ژاپن متعهد شد ۱/۶ میلیارد دلار به صورت کمک برای حمایت از پنج کشور حاضر در طرح مکونگ شامل تایلند، کامبوج، ویتنام، میانمار و لائوس، در تلاش برای افزایش نفوذ در منطقه و موازنه در مقابل ظهور چین ارائه دهد. ژاپن به صورت غیرمستقیم از طریق بانک توسعه آسیایی در حوزه مکونگ بزرگ‌تر برای شش اقتصاد، به نام های کامبوج، چین (به‌ویژه استان یونان و منطقه خودمختار گوانگ ژو ژوانگ^۱، لائوس، میانمار، تایلند و ویتنام از ۱۹۹۲ مشارکت می‌کند. این برنامه، دو دهه همکاری زیرمنطقه مکونگ بزرگ‌تر را در سال ۲۰۱۲ جشن گرفت (Tan et al., 2016: 30-31).

در نشست سران گروه هشت که در ماه مه ۲۰۱۶ برگزار شد، ژاپن موجب تصویب اصول ایس شیمای^۲ برای توسعه سرمایه‌گذاری زیرساختی باکیفیت شد که اهمیت آن در نشست هانگژو^۳ گروه ۲۰ باردیگر تأیید شد. ژاپن در این نشست اعلام کرد نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار را در طی دوره‌ای پنج‌ساله (سالانه چهل میلیارد دلار) از طریق «گسترش مشارکت برای زیرساخت باکیفیت» تأمین خواهد کرد و در اعلامیه و متن چندین نشست سازمان‌های مختلف بر آن تأکید شد (MOFAJ, 2017: 7). افزون بر این، طرح زیرساختی ژاپن^۴ در دسامبر ۲۰۱۶ و با ترکیب سه نهاد مالی شامل شرکت سرمایه‌گذاری هیتاچی با ۵/۴۷ درصد سرمایه، شرکت اجاره و سرمایه‌میتسوبیشی با ۵/۴۷ درصد سرمایه و بانک توکیو با ۹/۴ درصد سرمایه ترکیب و نهادی به همین منظور در ژانویه ۲۰۱۷ شکل گرفت که متعهد شد نزدیک به صد

1. Guangxi Zhuang

۲. منطقه Ise-Shima که به آن شبه جزیره شیمای هم می‌گویند در شرق کزاین واقع شده است.

3. Hangzhou Summit

4. Japan Infrastructure Initiative

میلیون ین (۸۷۸ میلیون دلار) را برای وام‌دهی و نیازهای زیرساختی بخش خصوصی تأمین کند (Nishida, 2017). به دلیل افزایش حضور چین در نواحی مختلف جهان، ژاپن نیز دریافته است که باید حضور خود را پررنگ‌تر کند تا از عرصه روابط جهانی عقب نماند، افزایش حجم سرمایه‌گذاری از ۱۱۰ به ۲۰۰ میلیارد دلار و حتی ترکیب سه شرکت خصوصی و ایجاد نهادی به منظور بهبود ساختار کشورهای نیازمند نیز حاکی از نگاه راهبردی این کشور نسبت به رقیب اصلی خود است.

۳.۵. حمایت از طرح مشارکت فرا پاسیفیک

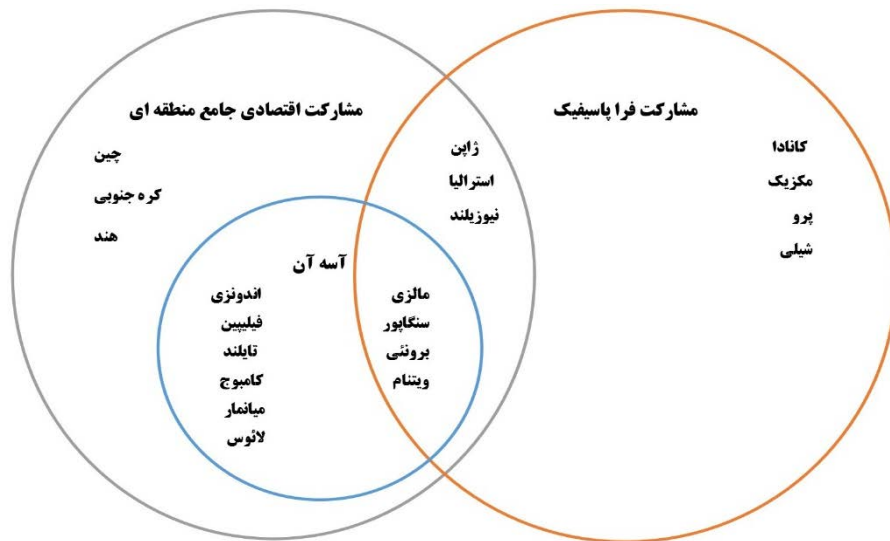
ژاپن در سال ۱۹۶۶ ایده تشکیل منطقه آزاد تجاری پاسیفیک را مطرح کرد که کشورهای استرالیا، کانادا، نیوزیلند و ایالات متحده را نیز در برمی‌گرفت، اما این ایده اجرایی نشد. اپیک، یک طرح منطقه آزاد تجاری را در سراسر منطقه آسیا-پاسیفیک در سال ۱۹۹۴ در نظر گرفت (Dent, 2017: 201). برخی از طرح‌های اولیه در نهایت به مطرح کردن موافقت‌نامه مشارکت فرا پاسیفیک^۱ منجر شد. این ابتکار، موافقت‌نامه تجارت آزاد چندجانبه‌ای است که به دنبال اجرای سیاست تعرفه صفر برای تمام بخش‌های صنعتی در بازه زمانی ده‌ساله است و برای انجام این کار، قصد دارد منطقه آزاد تجاری را در حاشیه اقیانوس آرام ایجاد کند. در حال حاضر این موافقت‌نامه یازده عضو دارد (استرالیا، برونئی، کانادا، شیلی، مالزی، مکزیک، نیوزیلند، پرو، سنگاپور، ایالات متحده، ویتنام و ژاپن). موافقت‌نامه مشارکت فرا پاسیفیک از موافقت‌نامه‌ای بین چهار دولت سنگاپور، برونئی، شیلی و نیوزیلند در سال ۲۰۰۶ نشأت گرفت. دو سال بعد، در سال ۲۰۰۸، ایالات متحده مشارکت خود در موافقت‌نامه را در پی عضویت استرالیا، پرو، ویتنام و مالزی در همان سال اعلام کرد. کانادا و مکزیک در سال ۲۰۱۲ به موافقت‌نامه پیوستند. ژاپن نیز پیش‌بینی کرده بود همراه با کانادا و مکزیک به موافقت‌نامه بپیوندد، اما در سال ۲۰۱۳ این کار را انجام داد. یکی از اهداف تشکیل موافقت

1. Trans-Pacific Partnership (TPP)

این طرح به موافقت‌نامه جامع و مترقی برای مشارکت فراپاسیفیک (Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership, CPTPP) تغییر نام داده است. همه امضاکنندگان اصلی TPP به‌جز ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۷ با احیای آن موافقت کردند و در ژانویه ۲۰۱۸ برای انعقاد CPTPP به توافق رسیدند. مراسم امضای رسمی CPTPP در ۸ مارس ۲۰۱۸ در سانتیاگو شیلی برگزار شد. موافقت‌نامه جدید بیشتر احکام TPP را به‌جز ۲۲ ماده‌ای را که ایالات متحده برخلاف سایر اعضا موافق آنها بود، به حالت تعلیق درآورد. این موافقت‌نامه تصریح می‌کند که مفاد آن شصت روز پس از تصویب حداقل ۵۰ درصد امضاکنندگان (شش کشور از یازده کشور شرکت‌کننده) به اجرا در می‌آیند. ششمین کشوری که این توافق را تصویب کرد، استرالیا در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۸ بود و موافقت‌نامه برای شش کشور اولیه تصویب‌کننده از ۳۰ دسامبر ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا شد. برخی کشورها مانند چین، فیلیپین، اندونزی، تایلند، کره جنوبی، تایوان، انگلیس و کلمبیا نیز تمایل خود برای پیوستن به این موافقت‌نامه را ابراز کرده‌اند.

نامه مشارکت فرا پاسیفیک ایجاد وزنه‌ای اقتصادی در برابر چین بود [اما این یکی از اهداف بود و اهمیت این طرح بیشتر از جنبه اقتصادی آن است] (Assmann, 2016:52).

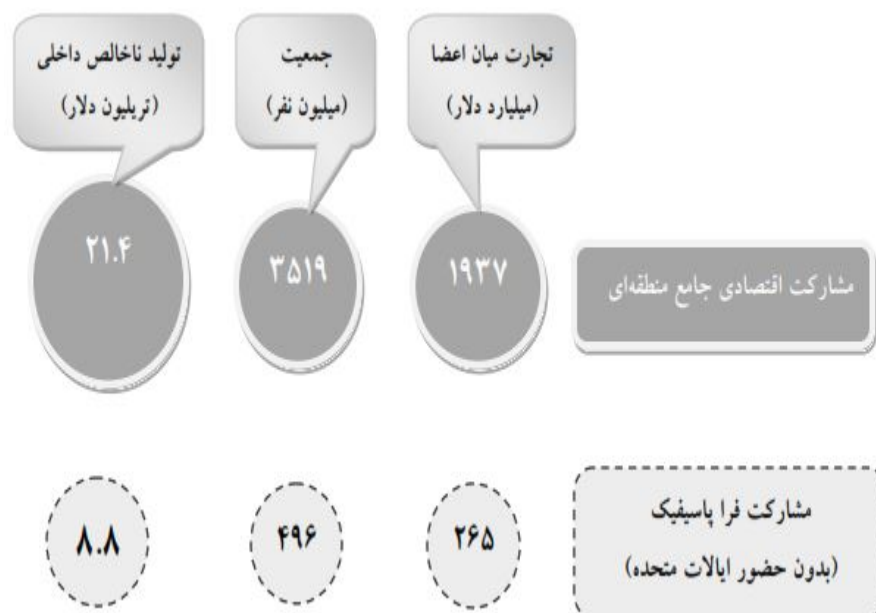
شکل ۲. مشارکت فرا پاسیفیک و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای



منبع: ترسیم از نگارندگان

مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای، ایالات متحده و در مقابل مشارکت فرا پاسیفیک، چین را مستثنا ساخته است. ژاپن، هند را برای پیوستن به طرح ترغیب می‌کند، اما این کشور تاکنون به طرح نپیوسته است. ژاپن از سال ۲۰۱۱ مذاکرات را برای پیوستن به طرح با طرفین آغاز کرد و به‌رغم مخالفت‌های داخلی در نهایت به این نتیجه رسید که پیوستن به مشارکت فرا پاسیفیک جایگاه اقتصادی این کشور را در مقابل چین تثبیت و موازنه‌ای در برابر آن ایجاد می‌کند، به همین دلیل در سال ۲۰۱۳ به‌سرعت موافقت‌نامه را به تصویب مجلس رساند. همان‌طور که از شکل ۲ پیداست، موافقت‌نامه مشارکت فرا پاسیفیک در حال حاضر یازده کشور را دربر می‌گیرد که هفت کشور آن در مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای در قالب آسه آن به‌علاوه شش مشترک است. در حال حاضر، ایالات متحده در موافقت‌نامه مشارکت فرا پاسیفیک عضویت ندارد و مذاکره‌های موافقت‌نامه در نهایت به امضای موافقت‌نامه جامع و مترقی برای مشارکت فرا پاسیفیک در اواخر ۲۰۱۸ منجر شد.

شکل ۳. مقایسه سه شاخص طرح‌های مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای و فرا پاسیفیک



منبع: (IMF, 2017; WB, 2017)

بر اساس شکل ۳، حجم اقتصادی مشارکت فراپاسیفیک نسبت به مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای کمتر است. وجود ایالات متحده می‌توانست اهرم این موافقت‌نامه را به شدت بالا ببرد، اما بر سر کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده و اعلام خروج از موافقت‌نامه، حجم اقتصادی عظیمی را از طرح بیرون برد، به گونه‌ای که جمعیت این کشور ۳۲۰ میلیون نفر (نزدیک به مجموع جمعیت یازده عضو باقی‌مانده در موافقت‌نامه مشارکت فرا پاسیفیک) و تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۹ تریلیون دلار (بیش از دو برابر مجموع یازده عضو موافقت‌نامه) را از آن خارج کرد. با این حال، به رغم تقلیل سطح مهارکنندگی رژیم مزبور در مقابل چین (که از نظر پژوهشگران هدف اصلی آن در نظر گرفته شده است)، عدم حضور ایالات متحده می‌تواند حوزه فعالیت گسترده‌تری را برای ژاپن فراهم کند. ظرفیت چشمگیر موافقت‌نامه، آن را از دیگر چارچوب‌های منطقه آزاد تجاری منطقه‌ای و دوجانبه شامل مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای^۱ مجزا ساخته است. فوریت و فشاری که به

1. Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)

این موافقت‌نامه بعد از ۳۱ دور مذاکره بالاخره در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۰ در اجلاس مجازی آسه‌آن به میزبانی ویتنام امضا شد و ۶۰ روز پس از تصویب توسط حداقل شش کشور آسه‌آن و سه کشور خارج از آسه‌آن به اجرا در می‌آید. از ۱۶ کشور اولیه ۱۵

حکومت ژاپن برای پیوستن به موافقت‌نامه وارد شد، این کشور را به‌سوی فرایند مذاکره با دیگر طرفین سوق داد. این اقدام اغلب از طریق دو عامل بسیار مهم تشدید شده است؛ نخست، توکیو نگران بود که قواعد جدید اتخاذ‌شده در چارچوب موافقت‌نامه، بتواند تأثیر منفی‌ای بر رشد اقتصادی و نفوذ سیاسی ژاپن بر منطقه بگذارد. دوم، توکیو نمی‌خواست فرصت طلائی، یعنی سهم خود را از اینکه قسمتی از فرایند قانون‌گذاری^۱ باشد، از دست بدهد. ظهور اقتصادی و نفوذ سیاسی سریع چین که منطقه آسیا-پاسیفیک را فرماندهی می‌کند، در توکیو و واشنگتن نگرانی به‌وجود آورده است. توسعه موافقت‌نامه به معنی پاسخی به رشد نفوذ چین در منطقه است. برخی معتقدند موافقت‌نامه، راهبرد اقتصادی محدودکننده‌ای برای جلوگیری از توسعه نظم اقتصادی منطقه‌ای چین‌محور است. برخی نیز معتقدند راهبرد اصلی ژاپن و ایالات‌متحده به‌جای تلاش برای محدود کردن چین، این است که نوشتن قوانین را کامل کرده و سپس چین را به گروه‌بندی منطقه‌ای با قوانین شکل‌گرفته و به اجرا گذاشته شده بکشانند (Cheng Guan, 2016: 6-8). تعدادی از کشورها، موافقت‌نامه مشارکت فراسیسیفیک را از زاویه‌ای راهبردی می‌بینند. برای مثال ویتنام که در حال حرکت به سمت ایالات متحده در دو حوزه امنیتی و اقتصادی به‌واسطه نگرانی مشترک ادعاهای چین در دریای جنوب چین است. به همین دلیل ویتنام از مذاکره‌های همکاری در سال ۲۰۱۰ استقبال کرد، اما برخی دیگر کشورها موافقت‌نامه را به‌عنوان گزینه‌های تجارت آزاد بیشتر می‌بینند (بشقابی از مناطق تجارت آزاد). آنها برای دستیابی به بازار ایالات متحده رقابت می‌کنند، همان‌طور که نمی‌توانند بازار رو به رشد چین را نادیده بگیرند (Wan, 2016: 214). موافقت‌نامه مشارکت فراسیسیفیک کامل‌تر از موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای است و دلیل کامل بودن آن، نیات کشورهای صنعتی به‌منظور همکاری در قالب استانداردهای نیرومند قرن بیست‌ویکم است. با نگاهی به بندهای مشارکت فراسیسیفیک می‌توان به این نتیجه رسید که بندهای کامل‌تری مانند برخی موانع تجاری و گمرک به‌منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی، محیط زیست و حقوق کارگر را در برمی‌گیرد، در مقابل مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای به رهبری چین درجه استانداردهای ضعیف‌تری را شامل می‌شود و دلیل آن هم این است که تقریباً بیشتر کشورهای عضو آن در حال توسعه هستند، به‌گونه‌ای که موانع تجاری برای آن وجود ندارد و به حقوق کارگر و محیط زیست و حقوق مالکیت و مبدأ نیز توجهی ندارد. به‌نظر می‌رسد

کشور به‌جز هند عضو آن هستند. پیش‌بینی می‌شود طی بیست سال از لازم‌الاجرا شدن حدود ۹۰ درصد تعرفه‌های واردات بین امضاکنندگان آن حذف شود و قوانین مشترکی برای تجارت الکترونیک، تجارت و مالکیت معنوی وضع شود. قوانین منشأ واحد نیز به تسهیل زنجیره‌های تأمین بین‌المللی و کاهش هزینه‌های صادرات در سراسر اتحادیه کمک خواهد کرد.

1. Rule-making

آینده مشارکت فرا پاسیفیک به عملکردهای ژاپن به‌عنوان رهبر آن بستگی داشته باشد، اگرچه ژاپن موافقت‌نامه را ایجاد نکرد، فعالیت‌های این کشور در چارچوب طرح، گویای این است که به‌شدت در پی شکل‌دهی به موافقت‌نامه حتی بدون حضور ایالات متحده است تا نه تنها بتواند سود اقتصادی خود را بیشتر کند و سهم فزون‌تری از مبادلات به‌دست آورد، بلکه در مقابل نفوذ فزاینده چین توازنی ایجاد کند.

۴. نتیجه‌گیری

بحران آسیای شرقی، موجب تقویت سازوکارهای همکاری منطقه‌ای شد و کشورهای قوی‌تر منطقه را برای تشکیل چهارچوب‌های همکاری بیشتر تحریک کرد. در همین زمینه ژاپن که سابقه و تجربه زیادی در مدیریت مشکلات داشت، به‌دنبال شکل‌دهی به رژیم‌هایی با هدف تثبیت جایگاه اقتصادی از یک طرف و موازنه‌سازی در مقابل قدرت فزاینده چین از طرف دیگر برآمد. ژاپن در وهله نخست و بلافاصله پس از بروز بحران در سال ۱۹۹۷، ایده‌هایی را در قالب رژیم‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطرح کرد. اولین طرح ژاپن صندوق پول آسیایی بود که با هدف تثبیت پول در ظاهر (هدف اصلی ژاپن تحکیم قدرت خود در منطقه بود) مطرح شد، اما مخالفت‌های کشورهای غربی را به‌دلیل برخورد با منافع آنها و چین به‌همراه داشت و به مرحله اجرا نرسید و به اصطلاح عقیم ماند. ژاپن با وجود شکست در طرح قبلی، در قالب همکاری با دولت‌های منطقه آسیای شرقی، پیشنهاد تشکیل منطقه آزاد تجاری ژاپن-آسه‌آن را در سال ۲۰۰۲ مطرح کرد که دو طرف در قالب مذاکراتی تا سال ۲۰۱۲ به توافق رسیدند و منطقه آزاد تجاری برای افزایش همکاری‌های اقتصادی در حوزه تجارت کالا، خدمات و سرمایه‌گذاری امضا و اجرایی شد. ژاپن به‌تدریج رژیم‌هایی را در منطقه شرق آسیا ایجاد یا از تشکیل آنها حمایت کرد که این امر، رفته‌رفته شفافیت لازم به‌منظور اعتمادسازی بیشتر را فراهم کرد و به نزدیک شدن منافع کشورهای منطقه منجر شد. این امر ژاپن را در گسترش و توسعه سازوکارهای همکاری منطقه‌ای یاری کرد و موانع بر سر راه عدم همکاری را به‌تدریج از میان برداشت. در نهایت، شایان ذکر است که ژاپن توانسته است در امر رژیم‌سازی نسبت به چین موفقیت کمتری را کسب کند و این امر به‌دلیل عدم قاطعیت و همچنین توان اقتصادی محدودتر (نسبت به چین) ژاپن در مناسبات منطقه‌ای است، اما روند رقابت دو کشور پیوسته تشدید یافته است، به‌نحوی که ژاپن به‌عنوان جدیدترین ابتکار خود، راهبرد اقیانوس هند-آرام آزاد و همگانی را در سال ۲۰۱۶ مطرح کرده است و پیوسته به‌دنبال افزودن به توان و وزنه بلوک خود در مقابل چین است. پیش‌بینی می‌شود روند رژیم‌سازی ژاپن به‌دلیل محدودیت‌هایی چون جمعیت کمتر (به همین تناسب بازار مصرف کمتر و اقتصاد

کوچک‌تر) و وسعت کمتر و دیدگاه کلان‌تر (که در قالب آن حصول سریع توافق دشوار است و ممکن است طولانی شدن روند توافق به ترک آن منجر شود) با محدودیت‌های بیشتری نسبت به چین (جمعیت بیشتر، اقتصاد بزرگ‌تر و محدودیت‌های کمتر جهت شکل‌دهی به مناطق آزاد تجاری) روبه‌رو شود، اما فن‌آوری ژاپن در مقایسه با چین (که سطح فناوری آن پایین است) نیز نکته‌ای مثبت برای این کشور ارزیابی می‌شود و این واقعیت، ژاپن را به منبعی حائز اهمیت برای کشورهای طرف همکاری با آن تبدیل می‌کند.

منابع و مآخذ

1. Asian Development Bank (ADB). (2020) "ASEAN-Japan Comprehensive Economic Partnership (AJCEP)," *aric.adb.org*. Available at: <https://aric.adb.org/fta/asean-japan-comprehensive-economic-partnership/>.
2. ASEAN Secretariat. (2010) "Post-Crisis FDI Inflows to ASEAN: ASEAN-OECD Investment Policy Conference," *oecd.org*. Available at: <https://www.oecd.org/investment/investmentfordevelopment/46485385.pdf/>.
3. ASEAN Secretariat. (2013) "ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook," *aseanstats.org*. Available at: http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2016/11/AEC_Chartbook-2013-1-1.pdf/.
4. ASEAN Secretariat. (2020) "ASEAN Key Figures 2020," *ASEANstats*. Available at: https://www.aseanstats.org/publication/akf_2020/.
5. ASEAN Secretariat. (2016) "ASEAN Economic Community (AEC): Chartbook," *aseanstats.org*. Available at: <http://www.aseanstats.org/wp-content/uploads/2016/11/AEC-Chartbook-2016-1.pdf/>.
6. ASEAN Secretariat. (2018) "ASEAN Stats Data Portal," *aseanstats.org*. Available at: <https://data.aseanstats.org/fdi-by-hosts-and-sources/>.
7. Assmann, Stephanie. (2016) *Sustainability in Contemporary Rural Japan: Challenges and Opportunities*. London and New York: Routledge.
8. Boin, Arjen. (2008) "Mapping Trends in the Study of Political Institutions," *International Studies Review* 10, 1: 87-92.
9. Cheng Guan, Benny The. (2016) "Japan, China and the Trans-Pacific Partnership (TPP) as a Strategic Tool of Choice," *Ritsumeikan Journal of Asia Pacific Studies* 35: 1-15.
10. Chirathivat, Suthiphand. (2006) "ASEAN's Role and Interests in the Formation of East Asian Economic Regionalism," in Paul J. Welfens, et al., eds. *Integration in Asia and Europe: Historical Dynamics, Political Issues, and Economic Perspectives*. Berlin, Germany: Springer.
11. Dent, Christopher M. (2017) *East Asian Regionalism*. London and New York: Routledge.
12. Grimes, William W. (2009) "Japan, the Global Financial Crisis, and the Stability of East Asia" in Ashley J. Tellis; Mercy Kuo; and Andrew Marble, eds. *Strategic Asia 2009-10: Economic Meltdown and Geopolitical Stability*. Washington D.C: The National Bureau of Asian Research.
13. Haggard, Stephan; Beth A. Simmons. (1987) "Theories of International Regimes," *International Organization* 41, 3: 491-517.
14. Hamanaka, Shintaro. (2008) "Comparing Summitry, Financial and Trade Regionalisms in East Asia: from the Japanese Perspective," in Christopher M. Dent, ed. *China, Japan and Regional Leadership in East Asia*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing.
15. Hamilton-Hart, Natasha. (2004) "Cooperation on Money and Finance: How Important? How Likely?" in Kanishka Jayasuriya, ed. *Asian Regional Governance: Crisis and Change*. London and New York: Routledge Curzon.
16. Hatakeyama, Kyoko; and Craig Freedman. (2010) *Snow on the Pine: Japan's Quest for a Leadership Role in Asia*. Singapore: World Scientific Publishing.
17. Hayashi, Shigeko. (2006) *Japan and East Asian Monetary Regionalism: Towards a Proactive Leadership Role*. London and New York: Rutledge.

18. Hernandez, Elmer C. (2005) "Ways to Increase Japanese FDI in ASEAN: ASEAN Government Perspective," *asean.or.jp*. Available at: http://www.asean.or.jp/ja/invest/about/eventreports/2005/2005-05/2005-01-13.pdf/at_download/file/.
19. Hirakawa, Hitoshi. (2005) "East Asia and the Development of Regionalism," in Costas Lapavitsas, ed. *Beyond Market-Driven Development: Drawing on the Experience of Asia and Latin America*. London and New York: Routledge.
20. Hiratsuka, Daisuke. (2011) "Institutions and Policy Coordination for Further Integration" in Masahisa Fujita; Ikuo Kuroiwa; and Satoru Kumagai, eds. *The Economics of East Asian Integration: A Comprehensive Introduction to Regional Issues*. Cheltenham: Edward Elgar.
21. Hook, Glenn D.; Julie Gilson; Christopher W. Hughes; and Hugo Dobson. (2012) *Japan's International Relations: Politics, Economics and Security*. London and New York: Routledge.
22. Krasner, Stephen D. (1983) *International Regimes*. Ithaca, New York: Cornell University Press.
23. Kuroda, Haruhiko; and Masahiro Kawai. (2004) "Strengthening Regional Financial Cooperation in East Asia," in Gordon De Brouwer; and Yunjong Wang, eds. *Financial Governance in East Asia: Policy Dialogue, Surveillance and Cooperation*. London and New York: Routledge Curzon.
24. Leonard, Thomas M. (2005) *Encyclopedia of the Developing World, V. 1*. London and New York: Routledge.
25. Lewis, Meredith Kolsky. (2012) "Achieving a Free Trade Area of the Asia-Pacific: Does the TPP Present the Most Attractive Path?" in C. L. Lim; Deborah Kay Elms; and Patrick Low, eds. *The Trans-Pacific Partnership: A Quest for a Twenty-First-Century Trade Agreement*. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Liang, Wei. (2011) "China's FTA Negotiations and Its Regional Implication for Asia," in Baogang Guo; Chung-Chian Teng, eds. *China's Quiet Rise: Peace Through Integration*. Lanham: Lexington Books.
27. Miller, Tom. (2017) *China's Asian Dream: Empire Building along the New Silk Road*. London: Zed Books.
28. Ministry of Foreign Affairs of Japan. (2017) *White Paper on Development Cooperation 2016: Japan's International Cooperation*. Tokyo: MOFAJ.
29. Mittelman, James. (2010) *Hyperconflict: Globalization and Insecurity*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
30. MOFAJ. (1999) "Japan's Official Development Assistance in 1998," *mofa.go.jp*. Available at: http://www.mofa.go.jp/policy/oda/summary/1999/d_g2_01.html#c_2_2/.
31. Mukhopadhyay, Kakali; and Thomassin, Paul J. (2010) *Economic and Environmental Impact of Free Trade in East and South East Asia*. Dordrecht, Netherlands: Springer.
32. Nemoto, Yoichi; and Satoshi Nakagawa. (2014) "Regional Financial Cooperation in East Asia: Development and Challenges," in Takashi Shiraishi; and Takaaki Kojima, eds. *ASEAN-Japan Relations*. Singapore: ISEAS.
33. Nishida, Naoki. (2017) "Japan Infrastructure Initiative Company Limited (JII): Message from CEO," *japaninfra.com*. Available at: <http://www.japaninfra.com/en/>.
34. Oba, Mie. (2008) "Regional Arrangements for Trade in Northeast Asia: Cooperation and Competition between China and Japan," in Vinod K Aggarwal; and Min Gyo Koo, eds. *Asia's New Institutional Architecture: Evolving Structures for Managing Trade, Financial, and Security Relations*. Heidelberg, Berlin: Springer-Verlag.
35. Oba, Mie. (2014) "The new Japan-ASEAN Partnership: Challenges in the Transformation of the Regional Context in East Asia," in Takashi Shiraishi; Takaaki Kojima, eds. *ASEAN-Japan Relations*. Singapore: ISEAS.
36. OECD. (2012) *OECD Review of Agricultural Policies: Indonesia 2012*. Paris: OECD Publishing.
37. Puchala, Donald J.; and Raymond F. Hopkins. (1982) "International Regimes: Lessons from Inductive Analysis," *International Organization* 36, 2: 245-275.
38. Ruggie, John G. (1975) "International Responses to Technology: Concepts and Trends," *International Organization* 3, 29: 557-584.

39. Ravenhill, John. (2008) "Asia's New Economic Institutions," in Vinod K. Aggarwal; Min Gyo Koo, eds. *Asia's New Institutional Architecture: Evolving Structures for Managing Trade, Financial, and Security Relations*. Heidelberg, Berlin: Springer-Verlag.
40. Renwick, Neil. (2008) "Contesting East Asian Security Leadership: China and the Shanghai Cooperation Organisation," in Christopher M. Dent, ed. *China, Japan and Regional Leadership in East Asia*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing.
41. Roberts, Christopher B. (2013) "The Future of Regionalism in East and South-East Asia," in Andrew T. H. Tan, ed. *East and South-East Asia: International Relations and Security Perspectives*. London and New York: Routledge.
42. Saaler, Sven; and Christopher W. A. Szpilman. (2011) *Pan-Asianism: A Documentary History, 1920–Present*. Lanham, MA: Rowan and Littlefield Publishers.
43. Sato, Hitoshi. (2014, October 14) "How can ASEAN and Japan Mutually Benefit from ASEAN Economic Integration," *ILO Asia-Pacific, Working Paper Series*, 1-24. Available at: https://www.ilo.org/asia/publications/WCMS_314225/lang-en/index.htm/.
44. Sirivunnabood, Pitchaya. (2017) "The Impact of the Asean Economic Community on Outward FDI in Asean Countries," in Cassey Lee; and Sineenat Sermcheep, eds. *Outward Foreign Direct Investment in ASEAN*. Singapore: ISEAS.
45. Tan, Khee Giapm, et al. (2016) *2014 Annual Competitiveness Ranking and Simulation Study for ASEAN-10 and Development Strategies to Enhance Asia Economic Connectivity*. Singapore: World Scientific Publishing.
46. Urata, Shujiro. (2014) "Constructing and Multilateralizing the Regional Comprehensive Economic Partnership: An Asian perspective," in Richard Baldwin; Masahiro Kawai; and Ganeshan Wignaraja, eds. *A World Trade Organization for the 21st Century: The Asian Perspective*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing.
47. Waltz, Kenneth. (1979) *Theory of International Politics*. New York: McGraw-Hill.
48. Wan, Ming. (2016) *Understanding Japan-China Relations: Theories and Issues*. Singapore: World Scientific Publishing.
49. Yahuda, Michael. (2004) *The International Politics of the Asia Pacific*. London and New York: Routledge Curzon.
50. Young, Oran R. (1986) "International Regimes: Toward a New Theory of Institutions," *World Politics* 39, 1: 104-122.
51. Young, Oran R. (1989) *International Cooperation: Building Regimes for Natural Resources and the Environment*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
52. Yuan, Wen Jin; and Melissa Murphy. (2010, November) "Regional Monetary Cooperation in East Asia: Should the United States Be Concerned?" *Center for Strategic & International Studies (CSIS) Report*, 1-13. Available at: http://csis.org/files/publication/101129_Yuan_RegionalCoop_WEB.pdf/.